

بررسی القاب و کنیه‌های حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

سمانه احمدی

چکیده

زنان همواره سنگ زیر بنا و بنیادین اجتماعات بشری‌اند. به همین جهت گرایش، تمایل و خواسته‌های ایشان در اجتماع، منشأ اثر و تحولات بزرگی بوده است. حضرت خدیجه نقش مهمی در هدایت و حمایت اسلام و اهداف مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) داشته است. او در جامعه خود به‌عنوان یک الگوی زن برتر تأثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. سخاوت و کرامت، عفت و پاکدامنی، عطوفت و مهربانی، صبر و استقامت، راستگویی، توجه به مستمندان و ایتم، به‌ویژه مادر حضرت زهرا (سلام الله علیها) بودن از جمله فضیلت‌های پسندیده‌ای است که حضرت دارا بودند. این فضیلت‌ها باعث شد حضرت منسوب به القاب و کنیه‌هایی شوند. در تحقیق حاضر پس از آشنایی اجمالی با زندگی حضرت خدیجه که در برگیرنده ولادت، ازدواج و فرزندان، وفات حضرت است، به بررسی القاب حضرت خدیجه چون طاهره، صدیقه، مرضیه و... پرداخته شده و سپس کنیه‌های آن حضرت چون ام الزهراء، ام المومنین و... بیان شده است. هدف از پرداختن به این موضوع آشنایی با سیره و الگوی بزرگان همچون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است که می‌تواند راهگشای مسائل در رسیدن به تجارب زندگی باشد. اسلام با معرفی الگوهای راستین در کنار نمونه‌های دروغین هرگونه هم‌سوئی با الگوهای کاذب را بر حذر داشته است.

واژگان کلیدی: القاب، کنیه، حضرت خدیجه (سلام الله علیها).

مقدمه

سخن از خدیجه (سلام الله علیها) سخن از یک دنیا عظمت و پایداری و استقامت در هدف است. به حق قلم فرسایی درباره کسی که خداوند بر او سلام و درود می فرستد، بسی مشکل است. اما به مصداق «ما لا یدرک کله لا یدرک کله» به بررسی گوشه هایی از شخصیت و زندگی این بزرگوار بانو می پردازیم:

تحقیقی که در دست شما خواننده گرامی است، نگاهی است گذرا اما تازه و زنده به سیمای سیره الهام بخش و درخشان بانوی خردمند و نو اندیش و خداجو و آزادمنش و پاک روش حجاز، خدیجه یار خالص و مشاور اندیشمند و پشتیبان پر اعتبار پیامبر و نوگرایان و خداجویان آغازین روزها و سالهای ظهور اسلام و فرود آغازین آیات خدا به قلب نازنین محمد (صلی الله علیه و آله). پرتوی از زندگی تاریخ ساز و آموزنده و فضائل بانویی است که در زندگی درخشانش پیش از انگیزش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، دخت فرزانه ای است که به گونه ای در خودسازی و خودشکوفایی و پاک منشی توفیق می یابد که سمبل معنویت و پروای از خدای ابراهیم (علیه السلام) می گردد، و مردم روزگارش او را پاک روش و پاک منش روزگار عنوان می دهند، و از دگر سو نمونه آینده نگری، کمال جویی، رشد خواهی و ترقی طلبی و در جستجوی عدل و برابری و آزادی و امنیت برای خود و جامعه و نوع خویش در آن دنیای تیره و تاریک و فرهنگی و اجتماعی، اخلاقی و مذهبی است.

انسان بالنده ای که به برکت همین هوشمندی و پاک منشی اش سرانجام به جایی می رسد که در آینه سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آفریدگارش به وجود او مباحث می کند؛ «...فَأَنَّ اللَّهَ لَيُبَاهِي بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَاراً.» (بقره ۲)، آیه ۱۳۸) و سرانجام در راه رشد و شکوفایی معنوی و انسانی و اخلاقی، بر سکوی افتخار اوج می گیرد و در اندیشه و منش و عملکرد برای همیشه می درخشد و در شمار برترین زنان تاریخ ساز جلوه می کند، و از پیامبر راستگو این مدال افتخار را دریافت می دارد که: «چهار زن نو اندیش و ستم ستیز و عدالت خواه در زندگی خویش به گونه ای با درایت و شهامت درخشیدند که سالار زنان روزگار شدند: مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه...» در تحقیق حاضر با عنوان «بررسی القاب و کنیه های حضرت خدیجه (سلام الله علیها)» محقق پس از آشنایی اجمالی با زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به بررسی القاب و کنیه های حضرت (سلام الله علیها) پرداخته است. هدف از پرداختن به این موضوع آشنایی با سیره و الگوی بزرگان همچون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است که می تواند راه گشای مسائل در رسیدن به تجارب زندگی باشد. اسلام با معرفی الگوهای راستین در کنار نمونه های دروغین هرگونه همسویی با الگوهای کاذب را بر حذر داشته است.

مسئله زن و الگوی شخصیتی زن یکی از نقاط اختلاف اسلام با عرب به شمار می آید بنابراین شناخت دقیق مواضع اسلام و نگرش جامع قرآن به هویت واقعی زن، پیش شرط هرگونه اقدام فرهنگی است. بنابراین ضرورت و اهمیت بحث روشن می شود که به دنبال الگوهای نورانی باشیم. مهمترین مسئله ای که این تحقیق جستجو می کند معرفی فضایل این بانوی بزرگوار است.

۱- آشنایی اجمالی با زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

۱-۱- هنگامه ولادت

در دامن طبیعت پاک حجاز و در زیر آسمان پرستاره مکه، در قلب شبه جزیره عربستان در خانواده ای فرهنگ ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافی روزگار، دختری چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازانه اش نشان داد که ریشه ای به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دسترس داشت. پس از ولایت او، خاندانش برخلاف رسم سپاه زمانه (زنده به گور کردن دختران)، ولایت او را گرمی داشتند و به خاطر آن نو رسیده عزیز بزم شادمانی آراستند و پدر و مادرش «خویلد» و «فاطمه» در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را خدیجه به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها برگزیدند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پانزده سال قبل از ولادت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) (۵۵ سال قبل از بعثت)، در شبه جزیره عربستان (حجاز) چشم به جهان گشود.^۱

۱-۲- خاندان

خانواده ای که خدیجه را پرورش داد از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی، در شمار بزرگترین قبیله های عرب جای داشت. این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت. آثار بزرگ و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه (سلام الله علیها) پدیدار بود. خدیجه از قبیله هاشم بود و پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت و مادرش فاطمه دختر زائده بن اصم بود.^۲

خدیجه بنت خویلد، بن اسد، بن عبدالعزی، بن قصی، بن کلاب، بن مره، بن کعب، بن سوی، بن غالب، بن فهر است. عبدالعزی جد حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، برادر عبدمناف است؛ عبدمناف یکی از اجداد نازنین شخصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. پدر عبدالعزی و عبدمناف، قصی بن کلاب بوده است. پدر بزرگوار خدیجه خویلد قهرمان دلاوری بود که در دفاع از حریم کعبه، روز به یاد ماندنی آفرید، هنگامی که «تبع» پادشاه خودکامه یمن تصمیم گرفت حجرالاسود را به یمن منتقل کند و در معبدی که آنجا

^۱ - محسن محمدزاده، حضرت خدیجه، ناشر پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام)، ۱۳۸۷، ص ۱.

^۲ - محمد محسن طبسی، حضرت خدیجه مادر امت، ناشر مرکز تحقیقات حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۸۶، ص ۱.

ساخته بود، به کار گذارد، خویلد شمشیر بدست گرفت و در برابر او مردانه جنگید و دیگر شمشیرزنان قریش به یاری او شتافتند و دشمن را با ذلت از حریم کعبه دور ساختند. پدربزرگش اسد از پیشگامان در پیمان جوان مردان می‌باشد. این پیمان به منظور احقاق حقوق و دفاع از مظلوم در خانه عبدالله بن حدیمان برگزار شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن پیمان حضور فعال داشتند و از آن به نیکی یاد می‌کردند. اسد از پیشگامان در این پیمان بود که در تاریخ به عنوان حلف الفضول مشهور شده است. مادرش فاطمه بنت زائده، بن اصم بن رواحه، بن حجر، بن عبد، بن معیص، بن عامر، بن لؤی، بن غالب، بن فهر بانویی با فضیلت، تابع آیین حنیفیت بود. روی این بیان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از تیره قریش می‌باشد؛ و از سوی پدر در نیای سوم و از سوی مادر در نیای هشتم با نسبت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم پیوند می‌خورد.^۱

۳-۱- ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

فضایل اخلاقی خدیجه (سلام الله علیها)، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب عتبه، شیبه، عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و ... را به فکر ازدواج با وی می‌انداخت. ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی‌داد شوهر دیگری انتخاب کند. تا اینکه با مقامات معنوی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آشنا شد و آن دو غلام که برای تجارت همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرستاده بود مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند برای خدیجه نقل کردند. خدیجه فریفته اخلاق و کمال پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شد. البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه (سلام الله علیها) به شمار می‌رفت، درباره ظهور پیامبر آخر الزمان و خاتم الانبیا مطالبی شنیده بود.^۲

همه این عوامل باعث شد تا خدیجه (سلام الله علیها) حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را به همسری خود انتخاب کند. زفاف حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ۲ ماه و ۷۵ روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت.^۳

در آن زمان، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) ۲۵ سال داشت و خدیجه (سلام الله علیها) چهل ساله بود. خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد، مقام معنوی او، با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خود را فدای پیشرفت همسرش ساخت.^۱

۱- لیلیا ساوج، فرزانه قریش، ناشر چاپی: سایت تخصصی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص ۶.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هجری قمری، ص ۶۱.

۳- محمدباقر مجلسی، همان، ص ۲۰.

۴-۱- فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از خدیجه (سلام الله علیها)

وجود فرزندان، پیوند زناشویی را محکم تر می سازد و شبستان زندگی را پر فروغ تر و به آن جلوه خاصی می بخشد. همسر جوان قریش، برای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شش فرزند آورد: دو پسر که بزرگتر آنها «قاسم» بود، سپس عبدالله که به آنان «طاهر» و «طیب» می گفتند و چهار دختر به نام های رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه.^۲

نسل پاک و مبارک رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) به خواست رب العالمین تنها از کوچکترین دخترش فاطمه (سلام الله علیها) ادامه یافت. و پسرانش در دوران کودکی از دنیا رفتند ولی دختران دوران نبوت پیامبر را درک کردند.^۳

۴-۱-۵ فوت خدیجه (سلام الله علیها)

به گونه ای که بیشتر تاریخ نگاران و محدثان آورده اند، بانوی بزرگ حجاز در دهمین روز ماه خدا در سال دهم بعثت، در سن ۶۵ سالگی پس از آزادی از تبعیدگاه، بر اثر فشارهای جسمی و روحی از سوی تاریک اندیشان، در حالی که دست در دست پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مهر و آزادی داشت، جهان را بدرود گفت و پیامبر و مردم خداجو را در غم و اندوه رحلت جانسوزش فرو برد.^۴

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) زمانی که خدیجه را از دست داد فقدان او را فاجعه بار ارزیابی نمود و سال رحلت جانسوزش را سال (عام الحزن) غم و اندوه عنوان نمود و پس از فوت او برای مدتی خانه نشین شد. خدیجه از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواسته بود که پس از مرگش یکی از جامه های خویش را که به هنگام نزول فرشته وحی و موقع راز و نیاز شبانه بر تن کرده بود بر بدن وی بپوشاند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام دفن این کار را کرد اما جبرئیل ناگهان فرود آمد و گفت: خداوند سلام می رساند و می فرماید: «ای محمد جامه آخرت خدیجه از سوی ما می باشد چرا که او ثروت و امکانات خویش را در راه دین ما هزینه نمود. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به دست مبارک

^۱ - محمد محسن طبسی، همان، ص ۲.

^۲ - آیت الله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، ویرایش سوم، قم: موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۳، ج ۲۴، ص ۱۹۷.

^۳ - مهدی آقابابایی، نخستین حامی پیامبر - شمه ای از فضائل و مناقب حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ص ۸.

^۴ - علی کرمی فریدونی، جلوه هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۳، چ دوم، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲۳.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مدفون شد و رسول الله خود در قبر خدیجه (سلام الله علیها) رفت و در حق او دعا کرد و طلب مغفرت نمود. و در (قبرستان مکه) جنه المعلی او را دفن کرد.^۱

۲- القاب حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نام و عنوان حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

روشن است که آن نسیم خرد به خاطر اندیشه مترقی و شخصیت توسعه یافته و منش ارجمندش در زندگی به تدریج به لقب هایی - که هر کدام ترجمان بینش و منش مترقی و نشانگر بُعدی از ابعاد چندگانه شخصیت پر معنویت و رشد یافته اوست - مفتخر گردید، که اینک به برخی می‌نگریم:

۲-۱- بانوی پاک منش «طاهره»

از برجسته ترین و مشهورترین لقب‌های دخت فرزانه حجاز، در عصر جاهلیت واژه «طاهره» یا پاک منش است؛ چرا که آن دخت خرد و پروا با این که در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی و زرق و برق‌ها زندگی می‌کرد، پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود و این امکانات هرگز نتوانست آن جوان پاک منش را دستخوش غفلت و یا مستی سازد و از مرز معنویت و کمال بیرون برد. او با این که پیش از آشنایی با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) مدیریت یک سازمان بزرگ اقتصادی را به کف داشت و ده‌ها مرد در تشکیلات بزرگ او با اشاره انگشتش کار می‌کردند، برای پاکیزه داشتن دل و جان و قلمرو مدیریت از انگیزه های، طرح نظام و تشکیلاتی را افکنده بود که برنامه‌ها را با رعایت سلسله مراتب به وسیله معاونان و نزدیکانش به کارگزاران ابلاغ می‌کرد و جز به هنگام ضرورت و یا شور و تبادُل نظر اجازه نمی‌داد تا به حضورش روند و یا به خود جرئت دهند که محیط کار را نامساعد سازند.^۲

او بانویی شریف، آگاه و خردمند در روزگار خود بود و با پاک نگاه داشتن جسم و روح خود توانست از تیرگی فساد جامعه جاهلی بر کنار ماند. گفته اند که برخی از زنان مکه در روزگار جاهلیت بالای خانه‌های خود پرچمی می‌افراشتند و مردم را به خوش گذرانی و لهو و لعب فرا می‌خواندند، اما حضرت

^۱ - مهدی آقابابایی، همان، ص ۱۸.

^۲ . محسن محمدزاده، همان، صص ۲ - ۱

خدیدجه (سلام الله علیها) هیچگاه با این زنان هوس باز همنشین نمی شد و از آنان بیزاری می جست و به همین سبب او را در جاهلیت «طاهره» می خواندند.^۱

در دوران جاهلیت، فساد و بی بندوباری بسیار رواج داشت و ارزش هایی چون اخلاق و پاک دامنی در جامعه رنگ باخته بود. بسیاری از زنان نیز به گونه های رایج انحراف آن زمان، آلوده بودند. در چنین اوضاعی، حضرت خدیجه به سبب رعایت فضیلت های اخلاقی و پاکی و پاک دامنی، با لقب «طاهره» (پاک سرشت و پاک منش) شناخته می شد. ایشان را عقیف ترین بانوی عرب در آن روزگار دانسته اند.^۲ از سوی دیگر با این که او در خاندان پر اعتباری ولایت یافت و رشد کرد، و در محیط آن روز حجاز، دختران و زنان اشراف در شب نشینی های پر لغزش و خطا می نشستند و خود را با انواع کارهای حقارتبار و خوشگذرانی های گناه آلود سرگرم می ساختند، آن دخت معنویت، نه در نشست های زنان و دختران آشنا - جز در صورت امید به ایجاد دگرگونی مطلوب در اندیشه ها و منش ها - شرکت می جست و نه در لحظه ای روش منحط جامعه و دنیای واپسگرای خویش را می پسندید، و نه ذره ای به رسوم رایج واپسگرایان دل می داد؛ بلکه او به صورت معجزه آسایی در آن محیط پر وسوسه و پر خطر، به گونه ای پاک سرشت و پاک روش و پاک منش و قدرتمند می زیست که آشنا و بیگانه او را پاک و پاکیزه می خواندند، و هرگاه زن یا دختری هوای کمال و معنویت می نمود، به سرای خدیجه (سلام الله علیه) می شتافت و از اندیشه بلند و منش پاک و روش و تجربه و هنر و قدرت مدیریت او درس می آموخت.^۳

اولین متون تاریخی در مورد حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به زمانی اشاره دارند که با ترتیب دادن کاروان های تجاری به کسب درآمد پرداخت او با مدیریت و درایتی قوی به دور از رسم تجار زمانه که رباخواری را از اصول اولیه کسب ثروت قرار داده بودند، به تجارت مضاربه ای روی آورد. گرچه ستیز خدیجه (سلام الله علیها) با تجارت ربوی، که گاه تا از دست دادن زن و فرزند بدهکار می کشید، خود مقوله ای مهم است اما تابناکترین صفحات زندگی او زمانی شکل می گیرد که با وجود زیبایی ظاهر و برخورداری از تمام صفات عالی زنانه هرگز در جامعه فاسد آن روزگار خود را نباخت و به چنان درجه ای از کمال و پاکی

^۱ - حسین مرادی نسب، خدیجه (سلام الله علیها)؛ همسر گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، نشر تهران: مشعر، ۱۳۸۹، ص ۵۱.

^۲ - عبدالله المامقانی، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، نجف، ۱۳۵۲ - ۱۳۴۹، ق، ص ۷۷.

^۳ - علی کرمی فریدنی، همان، ص ۱۷.

دست یافت که به وی لقب «طاهره» دادند. نویسندگان در توصیف او عباراتی چون «تدعی فی الجاهلیه الطاهره، در جاهلیت به طاهره نامیده می‌شد» را به کار برده اند.^۱

جامعه‌ها و تمدن‌ها در راه رشد و کمال به تدریج به ارزش‌های اخلاقی و انسانی، بها داده اند و به پاکی و آزادگی و آراستگی به فضیلت‌ها اهمیت داده اند، به خاطر همین برخی مکان‌ها و زمان‌ها مورد تجلیل و احترام قرار می‌گیرند و برای آن‌ها حریم و حرمتی در نظر گرفته می‌شود. در نگرش اسلامی هم، همه مسجدها مخصوصاً «مسجد الحرام» مورد توجه قرار گرفته و برای حفظ حرمت آن، مقررات ویژه‌ای قرار داده اند که مثلاً از ورود آلودگان به وبای شرک و میکروب کفر و حق ستیزی جلوگیری شود.^۲

خانه خدیجه (سلام الله علیها) هم یکی از آن مکان‌های مقدس است، که به خواست خدا، و تلاش‌ها و تدبیرهای خود خدیجه (سلام الله علیها)، این سرا، سرای سعادت و سعادت‌زا و پربرتک و با معنویت و تاریخ ساز باقی می‌ماند. که به گواهی محدثان و تاریخ نگاران این خانه مبارک پیش از اسلام و فرود وحی و بعثت پیامبر، خانه پاکی و پروا بود چرا که بانویی در آن زندگی می‌کرد که همه و همه، آشنا و بیگانه و کوچک و بزرگ او را «طاهره»، پاک روشن و پاک منش می‌شناختند، او در این خانه، به انفاق و رسیدگی به محرومان و درماندگان جامعه و انجام کارهای شایسته‌ای که از آموزه‌های پیامبران پیشین و کتاب‌های آسمانی، یاد گرفته، می‌پرداخت.^۳

۲-۲- سالار بانوان «قریش»

لقب دیگر آن دخت کمال «سالار بانوان» قریش بود. او، بدان دلیل به این لقب بزرگ نایل آمد که آشنا و بیگانه و دوست و بدخواه در برابر جمال و کمال و سیما و سیره مترقی او لب به ستایش گشوند. آن انسان برجسته، دارای چنان روح بزرگی بود که نه در برابر ثروت و قدرت سر فرود می‌آورد و نه ارزش‌های فناپذیر، و نه عادت‌ها و آداب خرافی روزگارش می‌توانست اندیشه روشن او را اسیر سازد. به همین جهت، مدیریت دنیای وجود خویش را به خرد و اندیشه و وجدان و فطرت سپرد و به لقب سالار بانوان مفتخر

^۱ - جمعی از نویسندگان، و کجاست مثل خدیجه (سلام الله علیها)، ناشر سایت تخصصی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)،

ص ۳.

^۲ - مهدی ورزنده، ویژگیهای شخصیتی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ناشر مهدی وزنه، ج ۲، صص ۲۰ و ۲۱.

^۳ - مهدی ورزنده، همان، ص ۲۱.

گردید.^۱ شخصیت خدیجه (سلام الله علیها) در عصر جاهلیت آن چنان چشمگیر و مورد احترام خاص و عام بود که او را با عنوان «سیده نسوان» (سرور زنان) می خواندند.^۲

خدیجه کبری (سلام الله علیها) ملکه عرب بود در نجابت و جلالت و قدر و نبالت شان بسزا داشت در تمام عربستان زنی به این فضیلت و مقام نیامده در جود و بخشش، گذشت و کرم و افضل بانوان عرب است.^۳

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) یکی از ثروتمندترین افراد مکه بود، ولی هرگز از یاری فقیران روی برنگرداند و خانه اش همواره کعبه آمال مردم بینوا و پناهگاه نیازمندان بود. کرم، سخاوت، دوراندیشی، درایت، عفت و پاکدامنی، از وی بانویی پرهیزکار و مورد احترام ساخته بود. لقب «بانوی بانوان قریش» که در آن زمان به وی داده شد، نشان دهنده جایگاه او در میان مردم است.^۴

امیرمؤمنان (علیه السلام) در چکامه‌ای که به عنوان سوگنامه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) سروده اند، از او به عنوان «سیده النسوان» بانوی بانوان تعبیر کرده اند. امام صادق (علیه السلام) نیز از او به «سیده قریش» یاد کرده اند. اسماء بنت عمیس نیز او را «سیده نساء العالمین» می خواند. و در عهد جاهلی او را «سیده نساء القریش» می خواندند.^۵

و نیز عموی خدیجه (سلام الله علیها)، «ورقه» - که از عالمان نامدار مذهب مسیح بود - در گفت و گو با آن دخت نواندیش، به آگاهی اش رساند که از کتاب‌های آسمانی چنین دریافت می گردد که: خدا پس از مسیح پیام آور دیگری را انگیزش می بخشد که در کودکی نعمت وجود پدر را از دست می دهد، اما در پرتو مهر و تدبیر خدا به گونه‌ای تربیت می شود که راستگو و پرمعنویت و شجاع و تاریخساز خواهد شد، آن گاه بانوی بزرگی از «قریش» با او پیمان زندگی می بندد و در راه نجات جامعه، با او همراه شده و فداکاری شگفتی در یاری او خواهد داشت.^۶

^۱- علی کرمی فریدونی، همان، ص ۱۸.

^۲- عطیه تحقیقی، همان، صص ۲ و ۳.

^۳- مهدی آقابابایی، همان، ص ۲۲.

^۴- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زندگینامه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ناشر مجله حوزه، ص ۱.

^۵- لیلا ساوج، همان، ص ۴.

^۶- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، همان، ص ۲۲۸.

۳-۲- بانوی پر برکت یا «مبارکه»

از دیگر لقب‌های او «مبارکه»، به مفهوم بانوی «پر برکت» است. واژه «برکت» را واژه شناسان به رشد و بالندگی و نیک بختی و افزایش و سرچشمه‌ای که خوبی و رحمت به گونه‌ای از آن می‌جوشد که، نه می‌توان جلوگیری کرد و محدود ساخت، و نه شمارش و اندازه‌گیری نمود معنا کرده‌اند.^۱

خداوند منان به حضرت عیسی وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانوی مبارکه است. از «عبدالله بن سلیمان» - که با تورات و انجیل آشنا و با عالمان مذهب موسی و مسیح دوستی داشت - آورده اند که: ما در نویدهای انجیل و وصف و نشانه‌های آخرین پیامبر خدا چنین خواندیم که خدا به مسیح فرمود: آن حضرت در زندگی اش همسرانی بر خواهد گزید، با این وصف نسل او در شمار، زیاد نخواهد بود. نسل ماندگار و بلند آوازه او از بانوی مبارکه‌ای است که در بهشت دارای سرایی است که نه در آن رنجی خواهد بود و نه ناخوشایندی.^۲

برتر از همه این که علی (علیه السلام) او را «مبارکه» می‌خواند و در بیان نقش ممتاز او در راه پیشرفت نهضت آزادی خواهانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، در سوگ جانسوز او چنین می‌سراید: هان ای دو چشم من باران اشک از آسمان دیدگانم فرو بارید، خدا این باران اشک را در سوگ دو یار فداکاری قرآن و دو پشتیبان بی همانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر شما مبارک سازد؛ چرا که آن دو به راستی بی نظیر بودند. بانوی پر برکتی که خدا او را به شاهره فضیلت‌ها راه نموده است...^۳ محدث قمی آورده است که خدیجه (سلام الله علیها) از چنان موقعیت پر فرازی در بارگاه خدا و افکار عمومی بهره ور بود که پیش از ولادت، در پیامی به حضرت مسیح از سوی خدا، «مبارکه» و همدم مریم پاک در بهشت خوانده شد؛ چرا که در انجیل به هنگام ترسیم نشانه‌ها و ویژگیهای پیامبر آمده است که: نسل آخرین پیامبر خدا از «مبارکه» یا بانوی پر برکت است، همو که همدم و همسوی مادرت مریم در بهشت پر طراوت و زیبای خدا خواهد بود.^۴

۱- راغب اصفهانی، ص ۴۲.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، همان، ص ۲۲.

۳- علی کرمی فریدونی، همان، صص ۱۹ - ۲۰.

۴- لیلا ساوج، همان، ص ۴.

۴-۲- سالار زنان گیتی

دخت فرزانه حجاز به خاطر نواندیشی و کمال طلبی و تصمیم خردمندانانه و اقدام بجا و شجاعت مثال زدنی و شکیبایی و پایداری تحسین برانگیز و بخشش شگفت انگیز و دگر دوستی و مردم خواهی بسیارش نه تنها سالار زنان قریش و جهان غرب، که سرور همه زنان گیتی شناخته شد، و پیامبر در وصف او فرمود: «خدا از میان زنان نواندیش و تاریخ ساز چهار زن را برگزید که عبارتند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه»^۱ آری، آن بانوی کمال به گونه‌ای به خاطر اندیشه متری و بینش و منش کمال طلبانه اش به این عنوان پر افتخار از زبان پیشوای توحید شهرت یافته بود که زن مبارز و دانشوری چون «اسما» همسر «جعفر طیار» او را با همین عنوان می‌خواند و آن را افتخاری ماندگار و نجات بخش برای او می‌نگریست و می‌گفت: سرورم، آیا گریه می‌کنید؟ شما که سالار زنان هستی و همسر پر مهر و با وفای پیامبر، و به خاطر بینش و منش متری و فداکاری تحسین بر انگیز و شکیب قهرمانانه ات در راه اسلام و پایداری پر شکوهت به همراه پیامبر، از آن حضرت مزده بهشت دریافت داشته‌ای، چرا گریه می‌کنی؟^۲

در یکی از زیارتنامه‌های رسول خدا چنین تعبیر شده: «سلام بر خدیجه (سلام الله علیها) سرور زنان جهانیان»^۳. خدیجه (سلام الله علیها) بانویی زیرک، سعادت‌مند، با کیاست، عاقله، عالمه بود به قدری خدیجه ابهت مقام و عظمت رتبه داشت که او را سیده نساء اهل الجنة گفتند.^۴

۵-۲- بانوی راستی و درستی «صدیقه»

از نام‌های بلند آوازه بانوی خردمند حجاز «صدیقه» است. این واژه به مفهوم بسیار راستگو و درست کردار، کسی که هماره راست می‌گوید و دروغ نمی‌گوید، کسی که در راستگویی در اوج کمال است و گفتارش را با رفتار زیبایش گواهی می‌کند، و به مفهوم کسی که راستی و راستگویی سیره هماره او می‌باشد آمده است.^۵

۱- محمدباقر مجلسی، همان.

۲- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۲۲.

۳- واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، فضیلت خدیجه (سلام الله علیها) در گفتار بزرگان، ناشر سایت تخصصی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، ص ۸.

۴- مهدی آقابابایی، همان، ص ۲۲.

۵- تاعج العروس، واژه «صدق»

مقام «صدیق» آنچنان پر فراز است که هم ردیف پیام آوران و شهیدان راستین است و در بارگاه خدا منزلت و حساب ویژه‌ای دارد که قرآن می‌فرماید: و هر که از خدا و پیامبرش فرمان برد، همراه کسانی خواهد بود که خدا به آنان نعمت‌ها ارزانی داشته است؛ همچون پیامبران و صدیقان...^۱

صدیق آن انسان شکوهمندی است که به پر فرازترین مرحله باور پر کشیده است، و «صدیقان»، مردمی هستند که هم با آگاهی و گفتار، خدا و مقررات او را گواهی می‌کنند و هم عملکردشان این اندیشه و گفتار و باورش را گواهی می‌کند. دریغ که چنین راستگویانی در شمار، بسیار اندک هستند، و بانوی خردمند حجاز در پرتو درست اندیشی و حق طلبی و ایمان و عملکرد شایسته و تلاش و اخلاص، به چنین موقعیت و شرایطی از باور و تصدیق اوج می‌گیرد که به مقام والای «صدیقین» پر می‌کشد و او را «صدیقه» می‌خوانند.^۲

در فرازی از زیارت نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین آمده است: سلام بر همسران پاک و نیکو کردار، که مادران مردم با ایمان هستند، به ویژه بر آن بانوی تصدیقگر حق، آن بانوی پاک سرشت و پاک منش، آن بانوی خشنود از مهر خدا و مورد پسند او، خدیجه ارجمند، مام راستین و سرمشق درخشان مردم شایسته کردار.^۳ (در فرازی از زیارتنامه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به هنگام ورود بر زوجات طاهرات، از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به عنوان «الصدیقه» تعبیر شده و این واژه در قرآن، یکبار به کار رفته و آن هم در مورد حضرت مریم (سلام الله علیها) و حضرت صادق (علیه السلام) آن را به معنای معصوم بیان فرموده است.^۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در معرفی حضرت خدیجه خطاب به جبرئیل فرمود: «هذه صدیقه اُمّتی؛ این صدیقه امت من است».^۵

۱- نساء، آیه ۶۹؛ مریم، آیات ۳۹ و ۵۶

۲- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۲۴.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، همان، ص ۱۸۹.

۴- سید مجید نبوی، علی غزالی اصفهانی، خدیجه (سلام الله علیها) مادر مؤمنان، نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰، ص ۳۵.

۵- علی اکبر مهدی پور، صدف کوثر، نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱، ص ۲.

۶-۲- بانوی بلند مرتبه «خدیجه کبری»

لقب دیگر آن بانوی آزادمش از سوی پیامبر این بود که او را به خاطر ژرف نگری و درست اندیشی، «خدیجه کبری» یا بانوی بلند مرتبه عنوان داد؛ چرا که او در شرایطی بود که پیامبر در تدبیر امور و ساماندهی شئون و در همه ابعاد زندگی اجتماعی و سیاسی، او را به عنوان وزیر و معاون و مشاور خویش از جامعه زنان می‌نگریست و از خرد بزرگ و درایت و مدیریت تحسین برانگیز او بهره می‌گرفت.^۱

امیر المومنین (علیه السلام) نیز او را با همین عنوان یاد نمود، از جمله در واپسین لحظات زندگی در بیان حقایق از عالم برزخ به فرزندش حسن (علیه السلام) فرمود: فرزند گرانمایه ام، پس از امروز برای پدرت، دیگر نه رنجی خواهد بود و نه اندوه و دردی. این نیای گران قدرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، برگزیده خداست، و این هم مادر والایت خدیجه بلند مرتبه، و این نیز مادرت فاطمه (سلام الله علیها)، و اینان هم حوریان بهشت هستند که چشم انتظار پدرت می‌باشند و ورودش به عالم برزخ را لحظه شماری می‌کنند. پس در توفان زده را به لطف خدا در آرامش بخش و دیده ات روشن باد و گریه نکن که بر پدرت اندوهی نیست.^۲ امام چهارم در پایگاه استبداد اموی ضمن روشنگری در مورد نسب و تبار پر افتخارش و بیان حقایق وارونه شده به وسیله مذهب سالاری دروغین اموی، مام والایش خدیجه را با همین عنوان یاد نمود و فرمود: ای مردم، من فرزند محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، پیامبر برگزیده بارگاه خدا هستم من فرزند دخت فرزانه پیامبر، فاطمه زهرایم؛ من فرزند خدیجه ارجمند، آن بانوی نو اندیش و آزادیخواه و توحیدگرایم.^۳

زینب (سلام الله علیها) در نخستین روشنگری اش در کنار گل‌های پرپر شده بوستان محمد در صحرای نینوا، نام بلند خدیجه را در کنار نام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، با همین عنوان یاد کرد: هان ای محمد، ای نیای گران قدر زینب، درود فرشتگان آسمان بر تو باد، این حسین توست که در این دشت خونبار به خون غلتیده و با پیکری چاک چاک بر زمین افتاده، و دختران سرفرازت به جرم استبدادناپذیری به اسارت رفته اند. اینک من از آنچه بر فرزندان شما رفته است، شکایت خود را به بارگاه خدا می‌برم، و به توای پیامبر برگزیده، و به امیرمؤمنان، و به فاطمه، و به خدیجه، آن بانوی بلند مرتبه...^۴

^۱- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۲۵.

^۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، همان، ص ۸۳.

^۳- علی کرمی فریدنی، در رواق چشم‌های اشکبار، ص ۲۸۳.

^۴- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۲۰۵.

۲-۷ - بانوی پر فراز و پر معنویت «غراء»

از آن بانوی کمال با عنوان «غراء» - به مفهوم بلند جایگاه و پر فراز - یاد شده و به این عنوان مفتخر گردیده است؛ «أین ابن النبی المصطفی... و ابن خدیجه الغراء...»^۱

و نیز جناب ابوطالب در خطبه عقد خدیجه، او را بلند جایگاه وصف نمود و گفت: اینک برادرزاده ما - که بی نیاز از وصف و ستایش است - به خواستگاری دخت گرامی شما آمده؛ دخت ارجمندی که به ویژگی بخشندگی و پاکی آراسته است؛ همو که انسانی است بلند جایگاه و به شکوه و عظمت شهره آفاق است و برتریش زبازد همگان و مقامش ارجمند است.^۲

۲-۸ - بانوی پاک روش و بالنده یا «زکیه»

واژه «تَزْکیه» و مشتقات آن در فرهنگ عرب به مفهوم پاکی و پاکیزگی، طراوت و تازگی و رشد و بالندگی است؛ همین گونه در برخی از آیات و روایات.^۳ جالب است که یکی از عنوان‌های دخت ارجمند حجاز، به تناسب پاکیزگی و بالندگی و آراستگی به ویژگی‌های اخلاقی و انجام کارهای شایسته «زکیه» آمده است.

در فرازی از زیارت نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین آمده است: سلام بر همسران پاک و نیکوکردارت ... به ویژه بر آن بانوی تصدیقگر حق، آن بانوی پاک سرشت و پاک منش ... خدیجه بلند مرتبه؛ «السَّلامُ علی أزواجک الطَّاهراتِ ... خُصُوصاً الصَّدیقه، الزَّکیَّه ... خَدِیجَه الکُبَری ...»^۴

۲-۹ - بانوی موردپسند خدا

مقام والا و مرتبه بلندگان شایسته‌ای که خدا از آنان خوشنود است، به راستی مقامی بسیار والاست؛ و چه قدر شمار بندگان آگاه و پرواپیشه‌ای که به خاطر درستکاری و عدالت خواهی و پایداری در انجام کارهای شایسته و رعایت حقوق خدا و مردم، مورد رضایت خدا قرار می‌گیرند اندک است.

^۱ - عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۸۸۶.

^۲ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، همان، ص ۶۹.

^۳ - شمس، آیه ۹ / کهف، آیه ۷۴ / بقره، آیه ۲۳۲ / مریم، آیه ۱۹.

^۴ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، همان، ص ۱۸۹.

از جمله بندگان شکوهباری که به این مقام پرفراز اوج گرفت خدیجه (سلام الله علیها) است؛ چرا که او از نظر عبادت و فرمانبرداری خدا، از نظر پارسایی و انفاق، از نظر شکیبایی و پایداری در راه عدالت، و از نظر رفتار و گفتار به گونه‌ای زیست که خدا از او خشنود گشت و همواره موردپسند آفریدگارش قرار گرفت.^۱

در زیارت نامه پیامبر نیز از او با این عنوان یاد شده است: «السَّلَامُ عَلٰی اَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ ... الْمَرْضِيَّهٖ، خَدِيْجَةُ الْكُبْرٰى ...»^۲ سلام بر همسران پاک و نیکوکردارت، به ویژه بر آن بانوی خشنود از مهر خدا و موردپسند او، خدیجه ارجمند... .

۱۰-۲- خشنود از تدبیر و تقدیر حکیمانه خدا یا «راضیه»

از والاترین درجات ایمان به خدا، این است که انسان در اوج آگاهی و عشق از تدبیر حکیمانه خدا خشنود بوده، و به آنچه او برای بنده خویش اندازه گیری و تدبیر فرموده است دلگرم باشد. این وصف و حالت خوش و این نشان بزرگی، از ویژگی‌ها و امتیازات بانوی خردمند حجاز در همه زندگی تاریخ سازش بود.^۳

او بانوی گرانمایه‌ای بود که در اوج آگاهی و آمادگی به همه فراز و نشیب‌ها و زیبایی‌ها و ناگواری‌های زندگی - که بر اساس تقدیر حکیمانه خدا و در راه بندگی او و رشد و رستگاری مردم برایش پیش آمد - خشنود بود و در اوجی از ایمان و اخلاص و عرفان بود که همان را می‌پسندید که خدایش بپسندد.

او در همه مراحل زندگی، به آنچه خدا برایش مقرر فرموده بود رضایت داشت و به ویژه پس از مفتخر شدن به همراهی پیامبر، دست در دست او، در راه به دوش کشیدن بار مسئولیت، انواع شکنجه و آزار، ترس و ناراحتی، رنج و محرومیت، فقر و گرفتاری و تبعید و فشار و افسوسگرایان را به جان پذیرفت و توانمند و پر صلابت افتخار آفرید و تاریخ ساخت و به عنوان نمونه درخشان زن آزاده راه ماندگاری را گام سپرد.^۴

او به گونه‌ای اندیشید و گفت و رفتار کرد که خدا از او خشنود شد و پیش از رسیدن مرگ، بشارت بهشت خدا را از زبان پیامبرش دریافت داشت؛ «فَاقْرَأْ عَلَیْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ ...»^۵

۱- علی کرمی فریدنی، جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، همان، ص ۲۸.

۲- محمدباقر، مجلسی، همان.

۳- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۲۹.

۴- علی کرمی فریدنی، همان، ص ۳۰.

۵- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، همان، ص ۷.

از امام صادق (علیه السلام) در مورد ایمان ژرف و استوار و مقام عرفان و خشنودی خدیجه (سلام الله علیها) از تدبیر و تقدیر حکیمانه خدا پرسیدند، که فرمود: علی (علیه السلام) و خدیجه (سلام الله علیها) که همراه و همدم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند و او را راستگوترین و شریف ترین و آزادمنش ترین روزگاران می شناختند، پس از اندیشه بسیار در مورد او و پیامبریش، به وحی و رسالت ایمان آوردند؛ اما روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آن دو را فراخواند و فرمود: این فرشته وحی است و می گوید: اسلام دارای برنامه ها و مقررات و پیمان هایی است؛ بشنوید:

- ۱- ایمان و باور قلبی بر یکتایی خدا؛
- ۲- ایمان به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)؛
- ۳- ایمان به جهان پس از مرگ و حساب و کتاب و پاداش و کیفر؛
- ۴- پس از این ها، زندگی بر اساس مقررات جدید؛
- ۵- و دیگر آراستگی کامل به اخلاص و منش انسانی تازه؛

اینک آیا این شرایط را با دل و جان می پذیرید؟ خدیجه (سلام الله علیها) پس از اندیشه ای دیگر در مورد هر یک از این اصول، پاسخ داد: من به همه این اصول ایمان آوردم، همه را گواهی نمودم، از جان و دل باور کردم و بر این پیام و مسئولیت ها در زندگی خشنودم، و در برابرش سر فروتنی فرود می آورم؛ «أَمَنْتُ وَ صَدَقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ»^۱

۳- کنیه های حضرت خدیجه (سلام الله علیها):

قطره ای از اقیانوس

در جامعه عرب رسم بود که افزون بر گزینش نام برای کودک، پس از رشد او به تناسب شخصیت و نقش وی، برایش «کنیه» بر می گزیدند. کنیه مردان با واژه «أب» آغاز می شد و از زنان با «أُم».

بانوی خردمند حجاز افزون بر این نام ها - که هر یک قطره ای از اقیانوس موج شکوه او را به نمایش می نهد - دارای چندین کنیه است که هر کدام رازی از معنویت اوست، و مشهورترین آنها سه کنیه؛ مام ارجمند زهرا (سلام الله علیها)، مام یتیمان و بینوایان، مام توحیدگرایان و کمال جویان.

^۱ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، همان، ص ۲۲۲.

۳-۱- مام ارجمند زهرا (سلام الله علیها)

این حقیقت که آن بانوی کمال به «أُمُّ الزهراء» مفتخر شد، و خدا دخت سرفرازی بسان فاطمه (سلام الله علیها) به او ارزانی داشت، افتخار و نشان شکوه ماندگاری است که به هیچ بانویی ارزانی نشده است. آری، او ثروت و اعتبار، آسایش و امنیت، جوانی و شکوه، زندگی و زیبایی، عمر و عزیزترین سرمایه هایش را برای خدا و نجات بندگان او و یاری پیامبرش در طبق اخلاص نهاد و با خدای حق شناس سودا نمود، و خدا نیز «کوثر» همواره جاری قرآن را به او ارزانی داشت و او را با آن برنامه ویژه به کنیه «أُمُّ الزهراء» مفتخر گردانید.^۱

طبق نص قرآن کریم همسران پیامبر مادران روحانی مؤمنان و «ام المومنین» هستند: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»^۲ همسران او (پیامبر) مادران مومنین هستند و خدیجه از برترین مصداق‌های آیه بشمار می‌رود و این سعادت در بین همه زنان حضرت، نصیب خدیجه گشت که یازده امام از نسل او از طریق فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) پدید آید. راستی چنین مقامی نیاز به لیاقت دارد. از بین همه فرزندان حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) از مقام ممتازی برخوردار است؛ چرا که هم دارای عصمت است و هم امامت و وصایت از طریق نسل او استمرار یافت.^۳

۳-۲- مام یتیمان و بینوایان

از عنوان‌های پر افتخار آن بانوی بشر دوست - که مردم به او دادند - «أُمُّ الصَّعَالِیکِ» و «أُمُّ الْیَتَامِی» بود؛ چرا که او به بینوایان و محرومان مهر می‌ورزید و یتیمان و بی پناهان را دوست می‌داشت و سرای پر معنویت او در مکه پناهگاه محرومان و بینوایان و در راه ماندگان و یتیمان بود.^۴

از ویژگی‌های او - که به خاطر آن‌ها این کنیه‌های ارجمند را به او دادند - این بود که در این مهر و محبت به محرومان و رسیدگی به یتیمان، با درایتی رفتار می‌کرد که کمک او نه تنها باعث تحقیر و آسیب دیدن کرامت انسانی و روح آزوده و ناآرام آنان نگردد، بلکه هم از نظر مادی به آنان مهر می‌ورزید و هم روح آسیب دیده آنان را با مرهم بشر دوستی سلامت می‌بخشید. جالب تر اینکه این کارش تنها برای خشنودی خدا و بشر دوستی و احساس لطیف انسانی و به بیان قرآن بدون منت و تحقیر انجام می‌شد؛ «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ

^۱ - علی کرمی فریدنی، جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، همان، ص ۳۱.

^۲ - احزاب (۳۳)، آیه ۶.

^۳ - علی امامی، بر کرانه فضائل خدیجه (سلام الله علیها)، ناشر ماهنامه قرآنی نسیم وحی، ص ۲.

^۴ - علی کرمی فریدنی، همان، ص ۳۲.

أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبَعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنَّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ آنان که دارایی‌های خود را در راه خدا هزینه می‌کنند، آن گاه از پی آنچه هزینه نموده اند نه متنی روا می‌دارند و نه آزاری، پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است؛ و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می‌شوند.

۳-۳ - مام توحیدگرایان و کمال جویان «ام المؤمنین»

همسران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و در رأس آنها حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در منطق قرآن «ام المؤمنین» لقب یافته اند. ولی به تصریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، وی بهترین و برترین آنان می‌باشد^۲ و بعضی‌ها هم به دلیل بی تقوایی از امهات مؤمنین خارج شدند.

شاید از ارزشمندترین کنیه‌های «خدیجه (سلام الله علیها)» این بود که پیامبر او را به فرمان خدا به عنوان پر افتخار «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» مفتخر ساخت؛ چرا که آن زن فداکار و پُر اخلاص، در روزگار غربت اسلام و پیامبر و مردم نواندیش و خداجو بسان مادری فداکار برای نجات و آسایش آنان کوشید و همه ثروت، امکانات و نفوذ اخلاقی و اعتبار اجتماعی خود را برای دفاع از آنان به کار گرفت.

او کار ژرف نگری و فداکاری را به جایی رساند که حتی در روزگار محاصره پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و یاران آزادیخواه او از سوی سردمداران بیداد در «شعب ابی طالب» با بهره وری از روابط دوستانه‌ای که به خاطر موقعیت خانوادگی و نفوذ اخلاقی و اقتصادی و اجتماعی اش با بسیاری از خانواده‌های قریش داشت، به طور نهانی با پیام‌های محرمانه در حل مشکلات توحیدگرایان و رساندن مواد غذایی و امکانات زندگی بر محاصره شدگان، و چاره اندیشی برای در هم شکستن پیمان ظالمانه زورمداران، از چیزی فروگذار نکرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و مردم آزادیخواه را در راه پیروزی بر تاریک اندیشان و استبدادگران خشونت کیش، جانانه یاری نمود و خدا نیز به پاداش این فداکاری و اخلاص او را به مدال «أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ» - که تنها شماری از زنان بزرگ و برجسته تاریخ، نظیر مریم و فاطمه (سلام الله علیها) در تاریخ بدان مفتخر شدند - مفتخر ساخت.^۳

۱- بقره (۲)، آیه ۲۶۲.

۲- لیلا ساوج، همان، ص ۴.

۳- علی کرمی فریدنی، جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، همان، ص ۳۳.

از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آورده اند که فرمودند: «یا خَدِیجَه ! أَنْتِ خَیْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ أَفْضَلُهُنَّ وَ سَیِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ»^۱ هان ای خدیجه ! تو بهترین مادر توحیدگرایان و آزادیخواهان و برترین آنان هستی، و تو سالار زنان گیتی می باشی.

در یکی از زیارت نامه های رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین آمده است: «سلام بر همسران پاک و نیک تو، مادران مومنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه، خشنود و پسندیده، خدیجه بانوی بزرگ، مادر مومنان»^۲.

نتیجه گیری

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در همه زمینه ها الگوی زنان جامعه امروزی است؛ زیرا او به رغم گستردگی شرک در دوران جاهلیت و بعثت در مکه، از آلودگی های فرهنگی و اجتماعی برکنار ماند و توانست خود را از دید اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در آن بستر آلوده حفظ کند و با استواری در راه قله های کمال گام بردارد و با جوانی پاک و امین ازدواج کند و شوهرش را در راه اعتلای کلمه توحید و آیین جدیدش (اسلام) یاری رساند.

او بانویی شریف، آگاه و خردمند در روزگار خود بود و با پاک نگاه داشتن جسم و روح خود توانست از تیرگی فساد جامعه جاهلی برکنار ماند. گفته اند که برخی از زنان مکه در روزگار جاهلیت بالای خانه های خود پرچمی می افراشتند و مردم را به خوش گذرانی و لهو و لعب فرا می خواندند، اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هیچ گاه با این زنان هوس باز همنشین نمی شد و از آنان بیزار می جست و به همین سبب او را در جاهلیت «طاهره» می خواندند.

زنان امروز نیز باید چنین بانویی را الگوی خود در زندگی برگزینند و در برابر تبلیغات دشمن که با ابزارهای گوناگون به گسترش فساد در جامعه می پردازد، استوار بایستند و از او درس طهارت روح و جسم، عفت و پاکدامنی بگیرند. امروزه به برکت دین اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) و به برکت انقلاب اسلامی که بارقه امیدی بر همه جهانیان تابید، از هجمه های فرهنگی دشمنان اسلام می توان خود را حفظ کرد و همچون حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در راه هدف خود پایدار بود و از گناهان در جامعه بیرازی جست.

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با بذل احساسات و عواطف و کمک مادی خود اسلام را یاری کرد خدیجه با این صفات فاضله در آسمان زن ستاره درخشانی شد و چشم همه زنان به وجود او روشن بود. یک رکن

۱- الأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ مِنَ الْغُرَاءِ الطَّاهِرَةِ، ص ۷، به نقل از علی کرمی فریدنی، همان، ص ۳۴.

۲- واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، همان، ص ۸.

مهم پیشرفت اسلام بر دوش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود و به طفیل همت و خدمت او پیغمبر توفیق حاصل کرد و به همین جهت لقب ام المومنین را گرفت که اول من آمن بود. خدیجه بانویی زیرک، سعادت‌مند، باکیاست، عاقله، عالمه بود به قدری خدیجه ابهت مقام و عظمت رتبه داشت که او را سیده نساء اهل الجنه گفتند. خدیجه کبری ملکه عرب بود و در نجابت و جلالت قدر شأن بسزا داشت در تمام عربستان زنی به این فضیلت و مقام نیامد در جود و بخشش، گذشت و کرم افضل بانوان عرب است. خدیجه بهترین مونس و انیس پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قوی ترین مددکار روز سختی بود لذا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چه در حیات و چه بعد از مرگ بسیار او را دوست می داشتند و به ایشان احترام می گذاشتند.

منابع

• قرآن کریم.

۱. امامی، علی، بر کرانه فضائل خدیجه (س)، ناشر ماهنامه قرآنی نسیم وحی، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی.
۲. آقابابایی، مهدی، نخستین حامی پیامبر؛ شمه‌ای از زندگی و فضائل و مناقب حضرت خدیجه (س)، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی ۶۶۹۰.
۳. تحقیقی، عطیه، سیمای حضرت خدیجه (س)، ناشر سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی ۴۶۹۸.
۴. جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زندگینامه حضرت خدیجه (س)، ناشر مجله حوزه.
۵. جمعی از نویسندگان، و کجاست مثل خدیجه (س)، ناشر سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتال ۴۷۰۰.
۶. الحسین الزییدی، محمد مرتضی، (۱۳۸۵ق)، تاج العروس فی جواهر القاموس، نشر: بیروت، دارالهدیه.
۷. ساوج، لیلا، فرزانه قریش، ناشر چاپی: سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، شماره دیجیتالی ۴۶۸۱.
۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳)، فروغ ابدیت؛ تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)، ویرایش سوم، چ ۲۴، قم: مؤسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۹. طبسی، محمدمحسن، (۱۳۸۶)، حضرت خدیجه مادر امت، ناشر: مرکز تحقیقات حضرت ولی عصر (عج).
۱۰. قمی، عباس، (۱۳۴۴ق)، مفاتیح الجنان، مشهد، نشر: اسوه.
۱۱. کرمی فریدونی، علی، در رواق چشم‌های اشکبار.
۱۲. کرمی فریدونی، علی، (۱۳۸۴)، جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه (س)، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۳. مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، نجف: بمباشره محمدرضا الغروی.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، جلد‌های ۱۶، ۱۸، ۴۲، ۴۳، ۱۰۰، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۵. محمدزاده، محسن، (۱۳۸۷)، حضرت خدیجه، ناشر پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی ۴۶۷۳.
۱۶. مرادی نسب، حسین، (۱۳۸۹)، خدیجه (س)؛ همسر گرامی رسول خدا (ص)، تهران: مشعر.
۱۷. مهدی پور، (۱۳۹۱)، صدف کوثر، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۸. نبوی، غزالی اصفهانی، مجید، علی، (۱۳۹۰)، خدیجه (س) مادر مؤمنان، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۱۹. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، فضیلت خدی (س) در گفتار بزرگان، ناشر سایت تخصصی حضرت خدیجه (س)، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی: ۴۶۸۲.
۲۰. ورزنده، مهدی، ویژگی‌های شخصیتی حضرت خدیجه (س)، ج ۲، نوع کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتالی: ۴۷۰۳.